

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شایه: 1735-739X

دوره ۱۱، شماره ۳ (پیاپی ۶)، بهار ۹۹

آینده پژوهی راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات بحران یمن

دکتر محمدرضا دهشیری*

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۲۸

مجتبی حسینی فهرجی**

تاریخ تأیید: ۹۸/۰۹/۰۹

چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و مباحث مهم بین‌المللی در غرب آسیا، بحران یمن و بی‌ثباتی و ناآرامی‌های ناشی از آن در منطقه است که آثار و پیامدهای قابل توجهی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برداشته است. این تحولات شگرف که هر روز ابعاد گسترده‌تری می‌یابد در یکی از استراتژیک‌ترین نقاط جهان در حال رخداد است. حضور مستقیم و غیرمستقیم برخی از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قالب اعزام مستقیم نیروی نظامی به یمن یا ارائه کمک‌های مستشاری و تسلیحاتی یا مبادرت به جنگ‌های نیابتی، بر تطویل و پیچیدگی بحران در این کشور افزوده و پیامدهایی را برای آینده راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از فعال‌ترین بازیگران منطقه غرب آسیا در برداشته است. سؤال اصلی این است که بحران یمن و سناریوهای احتمالی آتی آن چه تأثیری بر راهبرد منطقه‌ای ایران در غرب آسیا و خلیج فارس خواهد داشت. این پژوهش فرضیه‌آزمایه‌ای را در صدد آنست تا با رویکردی آینده‌پژوهانه بر اساس «سناریونویسی» و گردآوری داده بنیاد در چارچوب نظری سازه‌انگاره، تحولات بحران یمن را مورد مذاقه قرار داده و کنش‌های آتی گروه‌های مختلف مورد حمایت عربستان سعودی و امارات متحده عربی در یمن را بررسی نماید. همچنین سناریوهای آتی پیش‌رو در بحران یمن مطالعه و تأثیرات آن‌ها بر راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: بحران یمن، جمهوری اسلامی ایران، راهبرد منطقه‌ای، غرب آسیا، عربستان سعودی، جنبش انصارالله.

صفحات: ۱۷۴-۱۴۷

* دانشیار دانشکده روابط

بین‌الملل وزارت امور خارجه

mohammadreza_de-

hshiri@yahoo.com

** دانش‌آموخته‌ی

کارشناسی ارشد دیپلماسی

و سازمان‌های بین‌المللی

دانشکده روابط بین‌الملل

وزارت امور خارجه (نویسنده

مسئول)

mj.hosseini14@gmail.com

com

مقدمه

مردم یمن پس از سال‌ها زیستن در سایه سلطه خارجی و به سر بردن در وضعیت معیشتی نامناسب سرانجام در سال ۲۰۱۱ دست به انقلاب زدند. این انقلاب فرار علی عبدالله صالح به عربستان در ژوئن ۲۰۱۱ و تبدیل شدن یمن به عرصه تاخت و تازهای گروه‌های سیاسی و نظامی را در پی داشت. تبدیل یمن به جولانگاه گروه‌های شبه‌نظامی به فرماندهی کشورهای مختلف منطقه‌ای از جمله عربستان سعودی و امارات متحده عربی زمینه را برای تجاوز عربستان به یمن و ایجاد بحرانی فراگیر و گسترده در این کشور فراهم آورد. شایان ذکر است که دولت‌های مورد حمایت عربستان سعودی و امریکا در گذشته یمن را به لانه القاعده و در پی آن به آشیانه داعش تبدیل کرده بودند که این نیز به نوبه خود در زمینه‌سازی جهت حمله عربستان به این کشور بسیار تأثیرگذار بود.

پس از انقلاب یمن، اعتراضات گاه‌وبیگاه همچنان ادامه داشت تا اینکه در اوایل اوت ۲۰۱۴ قیام مردمی در پی افزایش قیمت سوخت کلید خورد. مردم به رهبری انصارالله از سراسر یمن به صنعا آمدند و تحصن کردند. جنبش انصارالله با توجه به صبغه فعالیت‌های فرهنگی و نظامی در گذشته و انجام کنش سیاسی در دوران معاصر توانست در بحران یمن خوش درخشیده و برخی از خواسته‌های حداقلی مردم این کشور را تأمین کند.

مواجه شدن انصارالله با استقبال وسیع مردمی نارضایتی عربستان سعودی را در پی داشت و سبب گردید تا عربستان به فکر ورود نظامی در یمن افتد که این امر سبب آغاز بحران یمن گردید. عربستان سعودی به همراه برخی از کشورهای منطقه خلیج فارس و غرب آسیا با عنوان «طوفان قاطعیت» و به درخواست «منصور هادی» به اقدام نظامی در یمن پرداخت تا بتواند با استفاده از نیروهای تحت حمایت خود سررشته امور داخلی این کشور را به دست گیرد. اکثر مردم یمن نیز که ناکامی دولت‌های مورد حمایت عربستان سعودی در اداره کشور و تأمین نیازهای مردم را تجربه کرده بودند، به مقابله با دولت علی عبدالله صالح و معاون وی، منصور هادی و دیگر گروه‌های مورد حمایت عربستان و امارات همچون القاعده و داعش و انصارالشریعه پرداختند. در این زمان، جنبش انصارالله به سبب نقش کارآمدی که در تأمین برخی از خواسته‌های اساسی مردم داشت،

توانست به مقبولیت قابل توجه مردمی دست یافته و به مقابله با عربستان سعودی و امارات و هم‌پیمانان دولتی و شبه‌دولتی آنان پردازد.

این پژوهش در پی آن است که با استفاده از روش سناریونویسی منابع کتابخانه‌ای موجود پیرامون یمن و جنبش انصارالله را مورد واکاوی قرار دهد تا در نهایت بتواند به این پرسش پاسخ دهد که سناریوهای بحران یمن چگونه بر راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تأثیر خواهد گذاشت. سازه‌نگاری به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش در نظر گرفته شده تا از این رهگذر مقوله‌های هویت و امنیت مورد مذاقه گیرد. همچنین تلاش می‌شود پس از واکاوی مؤلفه‌های هویتی جنبش انصارالله سناریوهای محتمل و تأثیر آن بر راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بررسی شود. پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نیست اما یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نگاه هویتی جنبش انصارالله به امنیت سبب گردیده تا خواه‌ناخواه بر امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور شیعه تأثیر گذارد و به‌صورت غیر مستقیم سبب شده تا راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تقویت شود. تحلیل سناریوهای آتی نیز تداوم این شرایط را تأیید می‌نماید.

پیشینه پژوهش

محمدرضا دهشیری و فرشته معبودی در مقاله «ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن» با بررسی بحران یمن در قالب نظریه لوسین پای، ابتدا با تبیین شرایط داخلی یمن نوع مواجهه جمهوری اسلامی در قبال بحران این کشور را با توجه به اصول حاکم بر راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی و فضای امنیتی حاکم بر منطقه مورد ارزیابی قرار داده و پیشنهاد امنیتی‌زدایی را برای اجرای بهتر راهبردهای ایران ارائه می‌نماید.

مقاله فرزاد رستمی، کامران لطفی و سعید پیرمحمدی با عنوان «جنگ قدرت‌ها در یمن و امنیت جمهوری اسلامی ایران» استدلال می‌کند که مساعدت ایران در راستای حفظ وحدت و تمامیت ارضی یمن در واقع تلاش برای حفظ منافع ملی و منطقه‌ای ایران است. حفظ یمن در واقع کمک به حفظ بقای ایران است. هرچند جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی مناقشات منطقه‌ای کانون تمرکز خود را بر ژئوپلیتیک محور مقاومت (از جمله یمن، سوریه، عراق، لبنان) قرار داده است،

اما دفع چالش‌های امنیتی جدید و بهره‌گیری از فرصت‌های فراهم‌شده مستلزم آن است که جمهوری اسلامی ایران حضور فعال و مؤثری در تحولات منطقه‌ای و بحران یمن داشته باشد.

مقاله «سیاست‌گذاری راهبردی در بحران امنیتی یمن» نوشته عباس مصلی نژاد استدلال می‌کند که حمایت ایران از انصارالله زمینه مقاومت از درون را به وجود می‌آورد. ضرورت‌های راهبردی ایجاب می‌کند که به موازات مقاومت از درون زمینه برای بازدارندگی در محیط منطقه‌ای نیز بوجود آید که در این زمینه تحرك در یابی نقش بازدارنده‌ی ایران را به موازات گسترش مقاومت از درون ارتقا می‌دهد.

مقاله جواد علی‌پور، سجاد قیطاسی و مهدی دارابی با عنوان «آینده‌پژوهی بحران یمن بر پایه سناریونویسی» با شناسایی پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های مهم به همراه بازیگران و کشگران تأثیرگذار، آینده‌های بحران یمن را در قالب سه دسته سناریو ترسیم می‌کند. دو سناریوی مطلوب برای هر یک از طرفین منازعه مطرح می‌شود؛ پایان منازعه و آغاز مذاکرات صلح (مطلوب حامیان انصارالله) و تداوم منازعه تا تسلیم حوثی‌ها (مطلوب مخالفان انصارالله). همچنین دو سناریوی محتمل یعنی پذیرش فدرالیسم توسط همه طرفین بحران و تجزیه یمن به دو کشور مثل دوران جنگ سرد و یک سناریوی باورپذیر یعنی قدرتمند شدن گروه‌های سلفی - تکفیری و ایجاد امارت اسلامی و بسط آن در یمن را مطرح می‌نماید.

در مقاله «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حوثی‌های یمن نوشته علی شیرخانی و هادی ترکی» با توجه به نظریه پخش، ضمن تشریح نقش ایران به عنوان مبدأ پخش و حوثی‌ها به عنوان مقصد پخش، استدلال می‌کند که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر حوثی‌ها یک فرایند یک‌جانبه و خودجوش از جانب حوثی‌ها و بدون دخالت کیفی و کمی ایران بوده و معتقد است که شاخصه فرهنگی در قالب ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی مهم‌ترین جنبه‌های تأثیرپذیری حوثی‌ها از انقلاب اسلامی ایران بوده است. در مجموع، پژوهش حاضر ضمن استفاده از دستاوردهای مقالات مذکور در چهار حوزه با آنها تفاوت محتوایی دارد:

پژوهش حاضر با یک رویکرد موسع به راهبرد جمهوری اسلامی در قبال

بحران یمن پرداخته و مسائل همگرایی هویتی، رویکرد بازدارندگی مبتنی بر اقتضائات ژئوپلیتیک و آینده پژوهی بحران این کشور را در تکمیل هم بررسی نموده است.

پژوهش حاضر در بررسی همگرایی میان جمهوری اسلامی ایران و جنبش انصارالله یمن از سطح همگرایی در مواضع عمیق‌تر شده و ریشه‌های هویتی همگرایی را تبیین می‌نماید.

پژوهش حاضر در راهبرد ایجاد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران توسط انصارالله در مقابل عربستان سعودی از بازدارندگی مستقیم و یک‌سویه و دولتی فراتر رفته و بازدارندگی شبکه‌ای و غیرمستقیم اعم از دولتی و غیردولتی را در چارچوب مقاومت فعال تشریح می‌نماید.

پژوهش حاضر، ضمن بررسی سناریوهای آینده بحران یمن، نسبت هرکدام را با راهبردها و منافع جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار داده و چگونگی ایفای نقش تهران در هر سناریو را نیز بررسی می‌نماید.

روش پژوهش

روش پژوهش مقاله حاضر «آینده پژوهی» است. آینده پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع الگوها و عوامل غیرمتغیر یا ثابت به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازد (احمدی، ۱۳۸۷: ۴۵). آینده پژوهی دانش شکل بخشیدن به آینده، متناسب با امیال و آرمان‌های فردی و سازمانی است و به این موضوع می‌پردازد که چگونه از دل تغییرات و تحولات امروز واقعیت فردا تولید می‌شود (حیدری، ۱۳۹۳: ۷۰).

بدین ترتیب، آینده پژوهی به معنای مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، دیدگاه‌ها، جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده است (عنایت‌الله، ۱۳۹۳: ۷). در آینده پژوهی آینده‌ها انواع گوناگونی دارند و آینده ممکن آینده‌ای است که هر چیز خوب، بد، محتمل و غیرمحتمل ممکن است در آن رخ دهد. آینده محتمل نیز عبارت است از آن چیزی که بیشترین احتمال تحقق را دارد. آینده مرجح نیز آینده‌ای است که برای به وقوع پیوستن ارجح‌ترین است (حاجی ناصری و شیخ سرایی، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۳۱).

سناریونویسی

در زمره روش‌های آینده‌پژوهی می‌توان به سناریونویسی اشاره کرد. سناریونویسی روشی برای یافتن و تدوین مسیرهای متفاوت آینده است. برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها درباره انتخاب‌های امروز با درک و فهم چگونگی تغییر و تحولات ممکن آن‌ها در آینده است. سناریوها برای تحلیل روند گذشته و پیش‌بینی آینده کاربرد داشته و تمرکز و توجه اصلی در آن ایجاد یا بازسازی وقایع و روندهای آینده و گذشته بر اساس مجموعه شواهد، داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده است. سناریو به نوعی درک آینده‌های مختلف در زمان حال است. از نظر مفهومی سناریوها رویدادهای پشت سر هم قرارگرفته یا فرضی هستند که برای معطوف ساختن توجه به فرآیندهای سببی و نکات مهم تصمیم‌گیری‌ها ایجاد می‌شوند (حاجیان، ۱۳۹۰: ۲۵۹-۲۶۲).

سناریوها انواع مختلفی دارند که از آن جمله می‌توان به «اکتشافی» و «هنجاری» اشاره کرد (حاجی ناصری و شیخ سرایی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). سناریوی اکتشافی به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است که چه چیزی ممکن است در آینده رخ دهد؟ این سناریو جهت نیل به پاسخ فعالیت خود را از زمان حال شروع کرده و به تدریج به سمت آینده حرکت می‌کند.

در مقابل سناریوی اکتشافی، سناریوی هنجاری قرار دارد که از پرسشگر می‌پرسد که می‌خواهد آینده چگونه شکل گیرد؟ طراحی آینده‌پژوهی هنجاری یکی از پیش‌فرض‌های مهم آینده‌پژوهی یعنی توانایی و اراده آزاد انسانی برای اثرگذاری در آینده را تصدیق می‌کند (حاجی ناصری و شیخ سرایی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). در یک تقسیم‌بندی دیگر سناریوها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. نخست، سناریوهای مرتبط با آینده‌های احتمالی؛ این سناریوها کلیه وضعیت احتمالی آینده را بررسی و تدوین می‌کنند، بی‌آنکه جهت‌گیری خاصی در تهیه آن‌ها داشته باشند. دوم، سناریوهای مرتبط با بدترین یا بهترین وضعیت‌های آینده؛ این سناریوها فقط بدترین یا بهترین وضعیت‌هایی را که در آینده ممکن است رخ دهند بررسی و تدوین می‌کنند. به همین دلیل است که این سناریوها بیشتر مبتنی بر نظریه‌های هنجاری‌اند (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۴۰۳).

برای طراحی سناریو در این زمینه بایستی به چند نکته و مقدمه ضروری ذیل

توجه داشت. نخست اینکه باید دانست که بازیگران، عوامل و فعالان فعلی و آتی سناریو چه کسانی هستند و یا چه کسانی خواهند بود. این بازیگران می‌توانند فرد، حزب، گروه، کشور، دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و غیره باشند. بایستی توجه داشت که ویژگی‌ها، اقتضانات، امکانات، توانمندی‌ها، سوابق، ذهنیات و فرصت‌های هر کدام چقدر و چگونه است؟ دوم اینکه حوادث، رویدادها و وقایعی که در شرایط کنونی و آتی به وجود آمده یا به وجود خواهند آمد کدام‌اند؟ این حوادث چه تأثیری بر روند شرایط خواهند داشت؟ در نهایت اینکه باید توجه داشت که دامنه انتخاب‌ها یا تأثیرات مختلف هر کنش یا اقدام بازیگران و یا پیامدهای متنوع هر رویداد کدام‌اند؟ (حاجیان، ۱۳۹۰: ۲۷۲).

چارچوب نظری

نظریه سازه‌نگاری توانسته با استفاده از بنیادهای هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی خاص خود بخش‌هایی از حقایق عرصه روابط بین‌الملل که پیش از این کمتر مورد توجه بوده را بررسی و تحلیل کند و به راه میانه‌ای در بین نظریه‌های روابط بین‌الملل تبدیل شود. این نظریه یک رویکرد میانه در بین نظریه‌های روابط بین‌الملل به شمار می‌رود (ازغندی و کافی، ۱۳۹۱: ۲۰۶) و مؤلفه‌های کلیدی آن مرتبط با پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. هویت

از مباحث هستی‌شناسانه در مطالعات امنیتی سازه‌نگاران توجه به نقش هویت در ایجاد کنش است. هویت یعنی شناخت خود در ارتباط با دیگران که منحصراً شخصی و روان‌شناسانه نبوده و دارای بنیادی اجتماعی و ارتباطی است و به وسیله تعامل کنشگران با هم و در ارتباطی که با هم دارند تعریف می‌شود (Barnett, 1999: 9). در واقع هویت مفهومی رابطه‌ای است که مبین روابط میان بازیگران و تصور دیگران از یک بازیگر است. از این رو تصورات جمعی و فردی بازیگران از خودشان و دیگران بستگی به تعریف از خودشان دارد که از فهم‌های مشترک، انتظارات و دانش تجسم‌یافته در نهادهای داخلی و فرامرزی ناشی می‌شود (Checked, 1997: 437). سازه‌نگاران بر این باور هستند که هویت‌ها در نوع، شکل و میزان موفقیت کنش‌ها ایفای نقش می‌کنند. به بیان دیگر، هویت‌های اجتماعی در شکل‌گیری منافع و رفتار بازیگران نقش

بسزایی ایفا می‌کنند (Hopf, 1998: 175).

سازهانگاران هویت را در تعریف خود در مقابل دیگری دانسته‌اند. از نظر آنان هویت موجب می‌شود تا افراد جهان خود را معنادار کرده و به تفکیک میان دوست و دشمن خود پردازند. در چارچوب سازهانگاری، روابط میان دولت‌ها بر اساس قدرت نیست، بلکه بر اساس معانی و هویتی است که آنان برای یکدیگر قائل هستند (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۱۰۳). دولت‌ها نیز مانند دیگر گروه‌های اجتماعی هویتشان دارای دو بعد داخلی و خارجی است. بُعد داخلی آن هویت ملی نام دارد و مجموعه‌ای از هنجارهای مشترک و روایت‌هاست که تحت عنوان داشته‌های ما در طول زمان حفظ می‌شوند؛ اما جنبه بیرونی آن هویت دولت نام دارد که به جایگاه یک کشور در مسائل بین‌المللی ارجاع داده می‌شود. از این رو، هویت به هر دولتی این امکان را می‌دهد که فهمی از سایر دولت‌ها، ماهیت خودش، انگیزه‌ها، منافع، کنش‌های احتمالی، ایستارها و نقشش در هر بافتار سیاسی فرضی داشته باشد (Hopf, 1998: 175).

از نظر سازهانگاران، هویت کنشگران را ارزش‌ها، هنجارها و ایده‌های نهادینه در محیط آن‌ها شکل می‌دهد و متعاقب شکل‌گیری این هویت است که کنشگران می‌توانند شکل‌گیری منافعشان را تعریف کنند. در واقع، کشورها بر اساس هویتی که برای خود قائل هستند منافع خود را تعریف می‌کنند (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۱۰۴). تداف در همین زمینه از هویت به عنوان طرح‌های معرفتی و ذهنی یاد می‌کند (داوی، ۱۳۹۱: ۳۴). در واقع منافع بر اساس هویت‌ها تعریف می‌شود و هویت‌ها نیز در بستر تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی شکل می‌گیرد.

اشتراکات و افتراقات هویتی جمهوری اسلامی ایران و انصارالله یمن

در رابطه با جمهوری اسلامی ایران سه مؤلفه انقلابی، اسلامی و ایرانی علی‌الاصول تعیین‌کننده مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی است که منافع و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تعیین می‌کند (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۱۰۹). جنبش حوثی انصارالله نیز دارای هویتی خاص بوده که برای درک ماهیت آن بایستی به خاستگاه این جنبش رجوع کرد و آن را مورد بررسی قرار داد. این جنبش از سال ۲۰۰۱ که زمان تأسیس آن است تا زمان

ثبیت، در سه مرحله کنش داشته است (نجابت، ۱۳۹۵: ۷۹).

فعالیت‌های سه‌گانه فرهنگی، نظامی و سیاسی که جنبش انصارالله از زمان تشکیل تا زمان ثبیت خود تجربه کرد سبب گردید تا هویتی که در تعریف دیگران از خود ارائه دهد هویتی با سه ماهیت اسلامی، انقلابی و عربی باشد. در واقع سه مرحله مذکور که جنبش انصارالله از آن گذر کرده در ایجاد ماهیت‌های هویتی این جنبش تأثیر بسزایی داشته است. از این رو، در ادامه مؤلفه‌های هویتی مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و جنبش انصارالله تبیین می‌شود.

۱. ماهیت اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اسلام به‌عنوان چهارچوبی برای رفتار این کشور در حوزه سیاست خارجی و هویت آن مطرح شد. به عبارت دیگر، تطور ابعاد درونی هنجارهای انقلاب اسلامی به ظهور هویت مشخصی در ایران منتهی شد که عنوان «اسلامی» معرف آن است. در واقع اسلام به‌عنوان یکی از عناصر هویتی ایران، تعیین‌کننده مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی است که هویت جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۴۵). به نوعی، ماهیت اسلامی مهم‌ترین مؤلفه هویت نظام جمهوری اسلامی ایران است و مؤلفه‌های دیگر ذیل آن تعریف می‌شوند. امام خمینی (ره) نیز در این رابطه اشاره کرده بودند که جمهوری اسلامی ایران حکومتی است متکی بر ضوابط اسلام، قانون اساسی آن اسلام بوده و متصدیان آن نیز حائز شرایط معین شده در اسلام هستند (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۱۲).

خشونت و سلفی‌گری با واکنش‌های منفی مردم مواجه است، با این وجود باز هم گروه‌های خشونت‌طلب سلفی همچون القاعده در یمن جولان داده و یکی از مهم‌ترین عوامل ناامنی در این کشور هستند. این امر سبب شده تا جامعه یمن به دنبال رسیدن به آرامش و امنیت و دوری از افراطی‌گری باشد. بر همین اساس، شکل‌گیری جریان فکری که در مقابل رفتارهای غلط گروه‌های انحرافی قد علم کند، از جانب مردم مسئولانه پنداشته شده و با استقبال گسترده آنان مواجه می‌شود (نجابت، ۱۳۹۵: ۱۰۸). یکی از مهم‌ترین این تفکرات، تفکر جنبش انصارالله یمن است که در پی مقابله با استبداد داخلی، استعمار خارجی و مقابله با گروه‌های تکفیری و سلفی است.

جنبش انصارالله یمن پس از آنکه توانست به میزانی از قدرت در یمن نائل

شود، در پی آن بود تا شریعت موجود در قانون اساسی این کشور جنبه عملیاتی به خود دیده و حکومت بر پایه آموزه‌های اسلامی اداره شود (نجابت، ۱۳۹۵: ۸۲). انصارالله به جهات مختلف توانست با پیگیری فعالیت‌های فرهنگی و تکیه بر شأن و جایگاه مردم، علیرغم وابستگی نظام یمن به عربستان سعودی و وهابیت و فشارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فکری که دائم بر مردم یمن به‌ویژه زیدیه تحمیل می‌شد، عرصه عمل در صحنه یمن را به دست گیرد. در واقع شیعیان زیدی از اواسط دهه ۸۰ با گام نهادن در عرصه فرهنگی و اعتقادی و تأثیر بر جوانان توانستند به‌صورت تدریجی حرکتی را پی‌ریزی کنند که با ایجاد انصارالله در سال ۲۰۰۱ توانست نقش مهمی در جامعه یمن ایفا کند. ویژگی‌های انصارالله سبب شد تا حرکت فرهنگی - سیاسی حوثی‌ها از دیگر جریان‌ها و گروه‌های سیاسی متمایز شده و مثمرتر واقع گردد. از جمله این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

• اعتقادات و باورهای انصارالله به اجرای اسلام در جامعه با تأسی از معارف قرآنی و سیره اهل بیت (ع)

- اعتقاد به اسلام، تشیع و اندیشه‌های زیدیه
- ارائه اسلام اعتدالی و به‌دوراز افراط و خرافه
- فرهنگ‌سازی در یمن
- بازیابی جایگاه شیعیان و زیدیه

بنابراین، ضمن اینکه ماهیت اسلامی ایران سبب شده تا راهبرد منطقه‌ای این کشور از جنبش‌های اسلامی و کشورهایی که در جهت اسلام گام برمی‌دارند حمایت به عمل آورد. متقابلاً نیز همین ماهیت اسلامی سبب شده تا این کشور نزد جنبش‌های اسلامی همچون انصارالله یمن محبوب بوده و به عنوان الگو تلقی گردد.

۲. ماهیت انقلابی

اهیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران سبب شده تا یکی از عناصر هویتی ایران هویت استعمارستیزی و مقابله با قدرت‌های سلطه‌گر باشد. این ماهیت جمهوری اسلامی ایران سبب گردیده تا این کشور به‌صورت معنوی از کشورهایی که در صدد انقلاب علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی هستند،

حمایت به عمل آورد. انقلاب مردم یمن به طلایه‌داری جنبش انصارالله نیز یکی از انقلاب‌های دوران معاصر است که جمهوری اسلامی ایران در این راستا از آن حمایت معنوی به عمل آورده است.

ماهیت انقلابی یکی از مؤلفه‌های کلیدی هویت جنبش انصارالله نیز است. کنش انصارالله نیز که تا پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر بیشتر جنبه فرهنگی و تربیتی داشت، پس از آن رویکردی ضداستکباری پیدا کرد. پس از چندماه از حادثه ۱۱ سپتامبر و پیوستن علی عبدالله صالح به جنگ آمریکا علیه تروریسم، حسین الحوثی اعتراضات خود علیه سیاست‌های دولت یمن را به صورت آشکار بیان نمود. وی در روز قدس دسامبر ۲۰۰۱ به سخنرانی پرداخت و طی آن اطلاعیه امام خمینی (ره) در ارتباط با اعلام آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان روز قدس را برای مردم قرائت کرد (نجابت، ۱۳۹۵: ۸۰). او در این سخنرانی بر مسیر مبارزه با آمریکا تأکید و این کشور را به عنوان دشمن اصلی مردم یمن معرفی کرد. او در این سخنرانی بیان داشت که نگرش صحیح آن است که به مبارزه با آمریکایی‌ها پرداخته شود و مردم باید برای رویارویی با آمریکا آماده و فعال شوند (بدرالدین الحوثی، ۲۰۱۶/۵/۲).

در این راستا، حسین الحوثی در ابتدای سال ۲۰۰۲ نیز شعار «الله اکبر، الموت لأمريكا، الموت لإسرائيل، اللعنة على اليهود، النصر للإسلام» را مطرح کرد که به نوعی مانیفست فکری انصارالله را تشکیل می‌دهد. با تکرار مداوم این کنش سیاسی از سوی جنبش انصارالله و اصرار مردم یمن بر آن عملاً مسلمانان یمن با ادبیات جدیدی در گفتمان اسلامی خود مواجه شده‌اند. ماهیت انقلابی جنبش انصارالله یمن پس از سال‌ها تثبیت شده و رویکرد انقلابی آن به سرعت در میان مردم یمن منتشر می‌شود. برخی ویژگی‌های خاص انصار یمن که از ماهیت انقلابی آن نشأت می‌گیرند عبارتند از؛

- ضدیت و مخالفت با ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از آرمان‌های انصارالله
- ضدیت با رژیم صهیونیستی و حمایت از آرمان فلسطین
- تأسی به گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)
- ارتباط فکری و الگوگیری از حزب الله
- ایجاد خودباوری در میان گروه‌های مخالف دولت

- نمایان کردن ماهیت فاسد حکومت وابسته به عربستان سعودی یمن
- برقراری امنیت در مناطق مختلف یمن برای مردم (نجابت، ۱۳۹۵: ۱۱۰ - ۱۲۳).

۳. ماهیت ملی

ماهیت ایرانی و عرق به تاریخ و گذشته از جمله عناصر تشکیل‌دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران است. در واقع علاوه بر ارزش‌ها و ایده‌های اسلامی از دیگر هنجارهای هویت‌ساز ایران، تجربه تاریخی ایرانیان است. بر اساس چارچوب سازه‌نگاری، سیاست خارجی ایران به نوعی نتیجه تاریخ گذشته ایران و به نوعی برساخته آن است. ماهیت ایرانی هویت مردم ایران سبب شده تا آنان در تاریخ خود جهان را در چارچوبی معنویت‌گرایانه و اخلاقی درک کرده، نگرشی عدالت‌گرایانه داشته و برای خود رسالتی جهانی و رهایی‌بخش قائل باشند. تبلور ذهنیت و ادراکات تاریخی ایران را می‌توان در انقلاب اسلامی و فهم از ماهیت، هویت و رسالت انقلاب و نظام برآمده از آن در عالم کنونی دانست (صبوری و صالحیان، ۱۳۹۲: ۱۷۸ و ۱۸۶).

هویت ملی انصار الله یمن نیز مجموعه‌ای به صورت تلفیق سه بخش هویت عربی به صورت فراملی، یمنی به صورت ملی و قبیله‌ای به صورت فروملی مورد توجه قرار می‌گیرد. جنبش انصارالله با اشاره به عربیت مردم یمن همواره بر همگرایی، وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز آنان تأکید کرده و اتحاد ملی را یکی از اصول بنیادی خود می‌داند. حوثی‌ها به دنبال ایجاد وفاق همگانی میان مردم شمال و جنوب و قبایل و مذاهب مختلف هستند. این گروه در بازه‌های زمانی مختلف همواره در پی این بوده تا اختلاف فرهنگی - هویتی به وجود آمده در بین مردم یمن توسط دولت را به همگرایی تمام مردم یمن تبدیل کنند. آنان تلاش کرده‌اند تا با اتخاذ مواضع ضدتفرقه، وحدت را در یمن محقق نمایند.

در مجموع، عناصر سه‌گانه ماهوی که تشکیل‌دهنده هویت جنبش انصارالله یمن است، به عناصر ماهوی جمهوری اسلامی ایران قرابت بسیار زیادی دارد. قرابت هویت جنبش انصارالله و هویت جمهوری اسلامی ایران

سبب شده تا همگرایی قابل توجهی میان انصارالله و ایران شکل گیرد و آنان را در اهداف سیاست خارجی و امنیت منطقه‌ای هم‌مسیر سازد.

همگرایی هویتی ایران و انصارالله

راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و واکاوی سناریوهای آتی بحران یمن

غرب آسیا به‌عنوان یکی از بحران‌خیزترین مناطق جهان مشتمل بر بازیگران متعددی است که سیستم منطقه‌ای را به سمت پیچیدگی و آشوب سوق می‌دهند. سیستم‌های پیچیده و آشوبی در برابر فشارهای سیستمی، شاخه‌ای شدن نظم را تجربه می‌کنند. به عبارتی مسیر اصلی در پاسخ به فشارهای سیستمی، هدایت چنین فشارهایی به شاخه‌های موجود و یا نظم‌های نوین یعنی نظم‌های منطقه‌ای است. به این سبب، نظم‌های منطقه‌ای از جمله حوزه‌هایی هستند که شدیداً تحت تأثیر بن‌بست‌های راهبردی در بخش کنترل‌کننده سیستم بین‌الملل قرار می‌گیرند. با وقوع بن‌بست در سیستم و شکل‌گیری قطب‌های متضاد، بازیگران منطقه‌ای به سمت ائتلاف‌گرایش پیدا می‌کنند. کشورها برای خروج از بن‌بست راهبردی در روابط دو یا چندجانبه راهبردهای غیرمستقیم، اعمال قدرت را آن‌هم در گستره‌ای منطقه‌ای در دستور کار قرار می‌دهند (قاسمی، ۱۳۹۴: ۳۴-۳۵).

در مورد جمهوری اسلامی ایران، وجود دشمن مشترک منطقه‌ای - ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی - میان جمهوری اسلامی و ملت‌های منطقه، جمهوری اسلامی ایران را به سمت گسترش ارتباطات منطقه‌ای به‌خصوص در قالب غیررسمی سوق داده است. براین اساس، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده تا به روش‌های مختلفی از گروه‌های هم‌راستا حمایت نماید. این حمایت، طیفی از همکاری‌های مادی و فنی تا حمایت‌های معنوی را دربرمی‌گیرد. یکی از محوری‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایجاد موج بیداری در ملت‌ها بالأخص در میان جوامع اسلامی است. انقلاب اسلامی به مسلمانان نشان داده که اسلام تنها راه‌حل و جهاد نیز مناسب‌ترین روش مبارزه است. ازاین‌رو

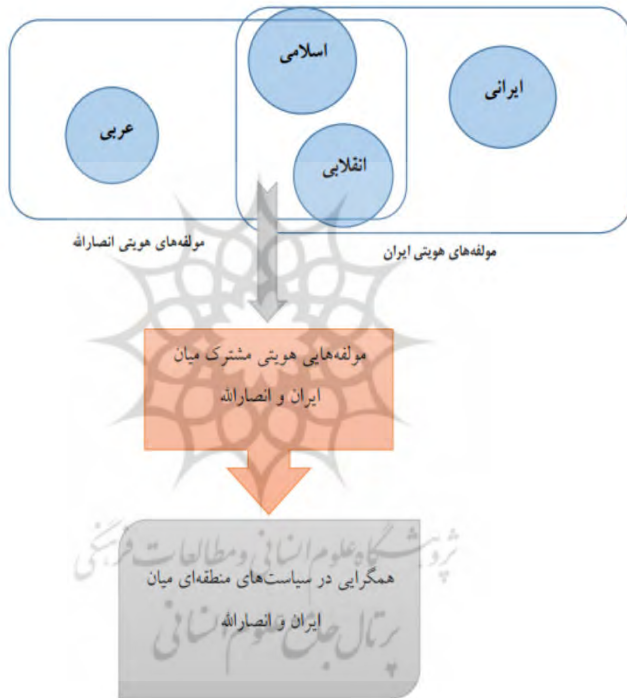
انقلاب اسلامی منجر به پیدایی جریان تازه‌ای از اسلام‌گرایانی شد که به روش سنتی بسنده نمی‌کنند (صفحات: ۱۳۸۰، ۲۶۳) و به مبارزه‌ای تحت عنوان مقاومت اسلامی به‌عنوان راهبردی جدید مبارزاتی روی آوردند.

درواقع، انقلاب اسلامی نخستین نقطه عطف در رویکردهای منطقه‌ای است. جمهوری اسلامی که از بدو تأسیس با دامنه گسترده‌ای از چالش‌های متفاوت روبرو بوده که در رأس آن، می‌توان به تقابل با رژیم صهیونیستی و ایالات متحده در حمایت از این رژیم نامشروع اشاره نمود. در چنین شرایطی به‌نوعی عدم توازن در توانایی‌ها، جمهوری اسلامی ایران را به‌سوی بازدارندگی در مقابل این دولت‌ها سوق داده است. در خصوص جمهوری اسلامی و شبکه‌سازی موردنظر آن می‌توان دسته‌بندی بر اساس شبکه‌سازی رسمی (مبتنی بر بازیگران ملی و دولت‌ها) و شبکه‌سازی غیررسمی (مبتنی بر کنشگران فراملی) را مطرح کرد. شرایط و فشار بر جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای بوده و منجرشده شبکه‌سازی غیررسمی را بیشتر مورد توجه قرار دهد.

تمرکز بر حزب‌الله و استفاده از آن به‌عنوان یک الگوی موفق منطقه‌ای جمهوری اسلامی را بر آن داشت که با اولویت دادن شبکه‌سازی غیررسمی به رسمی بتواند ایالات متحده و رژیم صهیونیستی را کنترل کند. شکل‌گیری حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی برای بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی و شکل‌گیری حشدالشعبی در عراق برای ایجاد بازدارندگی در مقابل نیروهای ایالات متحده مهم‌ترین نمونه‌های بازدارندگی غیررسمی بوده‌اند. البته تلاش‌هایی نیز در زمینه توسعه ارتباطات با بازیگران رسمی و فرامنطقه‌ای در دستور کار قرار گرفت تا با پیوند منافع با بازیگران بیشتر هزینه تهدید ایران را افزایش دهد. در همین راستا نیز مسئله بازدارندگی غیرمستقیم، شبکه‌ای، نامتقارن، مثلی و سه سطحی ایران به‌عنوان بنیان محور مقاومت در برابر محور سازش و محافظه‌کاری در راستای دیپلماسی مقاومت جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌گردد.

یمن نیز عرصه دیگری از جنگ نیابتی میان دو جریان ائتلاف عربی-

آمریکایی و محور مقاومت است. از یک سو کمیته‌های انقلاب یمن، جنبش انصارالله، حزب الله و ایران (به صورت حمایت سیاسی و مستشاری) قرار دادند و از سوی دیگر بقایای دولت مستعفی این کشور ائتلاف به رهبری عربستان سعودی و امارات تحت حمایت ایالات متحده آمریکا قرار دارند (Schwartz, ۲۰۱۵). با تجاوز عربستان سعودی به یمن و شروع بحران این کشور، جمهوری اسلامی ایران سیاست خویشتن‌داری و کاستن از تنش‌ها و جلوگیری از ایجاد رقابت منطقه‌ای در یمن، هرگونه دخالت خارجی در این کشور را محکوم کرد



و گفتگورا بهترین راه حل جهت حل و فصل این بحران دانست. تهران با وجود پایبندی به آرمان حمایت از مظلومان و مبارزه سلطه‌طلبان در عرصه‌های مختلف هیچ‌گاه تمایلی به ورود نظامی به جنگ یمن را نداشته، اما با توجه به گرایش گروه حوثی به آرمان‌های انقلاب جمهوری اسلامی و وجود پیوندهای فرهنگی - مذهبی طی دوره‌های تاریخی با شیعیان زیدی یمن به حمایت معنوی از مردم و گروه انصارالله یمن پرداخته است (دهشیری و معبودی، ۱۳۹۶: ۱۵۳)

۱۵۴). تهران با فراهم کردن امکان تحصیل دانشجویان زیدی مذهب یمن در ایران جهت تقویت مذهب یادشده گام برمی‌دارد که این امر موجب نزدیکی بیش‌ازپیش حوثی‌های این کشور و ایران شده است. این رویکرد سبب می‌شود تا حوثی‌های یمن درکنش سیاسی و نظامی خود ثبات امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را نیز مدنظر قرار دهند.

تبیین حدودمرز حوزه سیاست‌های حمایتی جمهوری اسلامی ایران از گروه حوثی کمک زیادی را به حفظ ثبات و صلح در منطقه می‌کند. باوجوداینکه ایران همواره در سیاست‌های اعلامی و اعمالی خود بر پشتیبانی سیاسی و فرهنگی از شیعیان حوثی تأکید ورزیده ولی شباهت‌های ساختاری میان جنبش انصارالله و جنبش مقاومت اسلامی حزب‌الله در لبنان می‌تواند نشان از تحقق گفتمان انقلابی ایران در منطقه باشد. البته بایستی به این نکته نیز خاطر نشان کرد که اجرائی شدن الگوی حزب‌الله لبنان در یمن می‌تواند به‌صورت مستقیم قدرت چانه‌زنی ایران در معادلات منطقه را افزایش داده و منافع آن در شبه جزیره عربستان را به‌صورت غیرمستقیم تأمین کند. درواقع الگوی حزب‌الله لبنان در یمن می‌توان به‌عنوان عنصر بازدارنده در مقابل سیاست‌های آل سعود در منطقه عمل کند (دهشیری و معبودی، ۱۳۹۶: ۱۵۸). از سوی دیگر به طول انجامیدن جنگ یمن و عدم‌مداخله نظامی ایران در این بحران مهر تأییدی بر گرایش ایران به سیاست صلح و ثبات در منطقه خواهد بود که در بهبود چهره بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و تخریب وجهه بین‌المللی عربستان به‌عنوان رقیب منطقه‌ای ایران مؤثر خواهد بود.

تحقق این امر در یمن و منطقه نیز به‌نوبه خود تأثیر قابل‌توجهی در جهت‌دهی نوع حکومت آتی این کشور دارد. بحران یمن به‌نوبه خود در آشکار شدن چهره واقعی و نیت برخی از افراد و گروه‌های سیاسی و نظامی در رابطه با یمن و سرنوشت آتی نقش بسزایی داشت. درواقع، بحران یمن صدق خیرخواهی جنبش شیعه انصارالله را برای مردم به اثبات رسانده و همین امر سبب شده تا احتمال تشکیل حکومت شیعی در این کشور افزایش

یابد، امری که خط قرمز عربستان سعودی به شمار می‌رود. به همین سبب، جلوگیری از به قدرت رسیدن انصارالله شیعه در یمن از مهم‌ترین اولویت‌های استراتژیک عربستان در این کشور است. از نظر ریاض، پیروزی انصارالله در یمن به زنجیره پیروزی‌های گفتمان انقلاب اسلامی و محور مقاومت حلقه دیگری می‌افزاید (نجات و موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۶۰-۱۶۱).

از سوی دیگر، عربستان نیز قدرت‌گیری شیعیان زیدی در یمن را به مثابه افزایش قدرت منطقه‌ای ایران می‌داند که موجب محاصره عربستان در میان کشورها و گروه‌های شیعه می‌شود. همین امر سبب گردیده تا عربستان با تمام قوا به یمن حمله کند. تحولات یمن در پازل تحولات در بحران اخیر، الگوی بومی جدیدی است که هم مؤلفه‌های انقلاب‌های اسلامی منطقه را دارد و هم مطالبات بومی مردم یمن را، به همین دلیل سعودی‌ها به شدت نگران تحریک‌پذیری سایر کشورها و ملل عرب منطقه هستند. از سوی دیگر عربستان سعودی به سبب برخورداری از ساختار و ماهیت استبدادی، به شدت مخالف دموکراتیزاسیون منطقه است. افزون بر این، بحران یمن سبب مطرح‌شدن جنبش انصارالله و قوت یافتن آن در صحنه داخلی یمن شد. در جریان همه‌پرسی نیز تمایل اکثریت مردم یمن به سوی حوثی‌های انصارالله خواهد بود، زیرا انصارالله در مبارزه با فساد، مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و تأمین امنیت برای مردم یمن کارنامه قابل دفاع و قابل قبولی دارد. این امر سبب به قدرت رسیدن انصارالله شیعه، یکی از گروه‌های اسلام‌گرای نزدیک به ایران می‌شود که به هیچ وجه مطلوب عربستان سعودی نخواهد بود (نجات و موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۵۷ و ۱۶۳-۱۶۴).

تحولات یمن و تغییراتی که در آن به نفع انصارالله رقم بخورد سبب کاهش نفوذ غرب در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس می‌شود. این امر هم جهت با راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است، زیرا ایران به دنبال ثبات و صلح در منطقه جهت پیگیری برنامه‌های چشم‌انداز ۲۰ ساله

خود می‌باشد و این مسئله نیازمند منطقه‌ای امن و باثبات است. علاوه بر منطقه امن، امنیت منطقه‌ای نیز برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است. از این رو، ایران تلاش‌های عربستان در به قدرت رساندن برخی از گروه‌های خاص در یمن و مداخله نظامی را بی‌فایده دانسته و تنها راه حل بحران این کشور را نقش‌آفرینی همه جریان‌های مذهبی و سیاسی در حل و فصل مسألت‌آمیز بحران دانسته است (رستمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰).

با این وجود نباید منکر این حقیقت شد که وجود شیعیان زیدی در یمن یکی از فرصت‌های مهم جهت تحقق منافع ملی و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. تحولات اخیر حاکی از آن است که جایگاه شیعیان یمن در معادلات سیاسی آتی این کشور پررنگ‌تر خواهد شد. به همین سبب حضور بیش‌ازپیش شیعیان به‌طور عام و انصارالله به‌طور خاص در ساختار سیاسی یمن می‌تواند جهت‌گیری سیاست خارجی یمن را به سوی اهداف راهبردی و تأمین امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران سوق دهد.

تحلیل روندها و سناریوهای آتی

به دنبال تحولات سیاسی یمن و متعاقب آن تهاجم ائتلاف سعودی به خاک این کشور، یمن به بازیگری مهم و اثرگذار در روند تحولات سیاسی و امنیتی منطقه غرب آسیا تبدیل شده است. با توجه به این مهم و در نظر گرفتن روند تحولات آتی یمن و ارتباط وثیق آن با راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، پنج سناریو قابل بررسی هستند، که در زیر به‌طور مختصر به شرح هر کدام خواهیم پرداخت.

۱. تقابل ایران و عربستان

عربستان سعودی که از دیرباز به‌عنوان بازیگری محافظه‌کار در مناسبات بین‌المللی مورد ارزیابی بوده، اما باروی کار آمدن کادر سیاسی و افزایش نقش ایران در نتیجه تحولات ۲۰۱۱ تلاش کرد تا رویکرد تهاجمی‌تری اتخاذ نماید. برای ریاض مبارزه با حوثی‌ها در یمن تهدید اولیه و وجودی است

(Crescenzi, ۲۰۱۲: ۲۶۰)، چراکه یمن برای عربستان سعودی هم سیاست خارجی و هم امنیت ملی است. در واقع، عربستان سعودی ایران را مسئول وضعیت بحرانی در یمن می‌داند که به دنبال تغییر شرایط برای تقویت گروه‌های مورد حمایت و نفوذ در مرزهای جنوبی یمن است (Amin, ۲۰۱۵: ۱۸-۲۰). پرواضح است که عربستان سعودی بیش از هر چیز نگران بالا گرفتن قدرت منطقه‌ای ایران است.

حاکمان عربستان برآند با پیگیری این سیاست تا اندازه‌ای از فشارهای درونی و بیرونی بر حکومت خود بکاهند. موضوع یمن همواره از موضوعات مورد توجه ایران و عربستان بوده است. دو کشور می‌کوشند با تقویت بازوهای نفوذ خود (انصارالله و القاعده) دست برتر را در بحران یمن داشته باشند. در واقع موضوع یمن تا آنجا برای عربستان حیاتی بود که برخلاف همه هنجارهای بین‌المللی و البته با چراغ سبز ایالات متحده یورشی همه‌جانبه را علیه مردم بی‌دفاع یمن آغاز کند و به از بین بردن تأسیسات زیربنایی این کشور مبادرت ورزد. عربستان این کشور را به‌عنوان حیاط خلوت خود به حساب آورده و به‌طور مداوم در امور داخلی آن دخالت کرده است.

در مجموع عربستان تلاش کرده تا با ایجاد ائتلاف و تهاجم نظامی به یمن، جنبش انصارالله را از قدرت سیاسی حذف کند و با چپ‌نش جریان‌های همسو در ساختار قدرت از نفوذ ایران در یمن بکاهد. از سوی دیگر، حوثی‌های یمن از جمهوری اسلامی ایران الهام گرفته‌اند و ایران نیز با حمایت معنوی و سیاسی از حوثی‌ها و انقلابیون قصد دارد موازنه قدرت منطقه‌ای را تغییر دهد (حسینی مقدم و یوسفی، ۱۳۹۶: ۹۶). در این تقابل، عربستان سعودی در طی این تجاوز به هیچ‌کدام از اهداف خود حتی نزدیک هم نشده و به نظر می‌رسد که ادامه جنایات سعودی‌ها در یمن، فشار افکار عمومی جهانی را بر آن‌ها افزایش خواهد داد. حتی ممکن است ریاض برخی از حامیان غربی خود را نیز از دست بدهد و به نظر می‌رسد که ادامه تقابل به نفع آن نباشد.

۲. همکاری نسبی ایران و عربستان

یکی دیگر از سناریوهای مطرح در مورد بحران یمن، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات گروه‌های درگیر بحران با دولت صنعا و نیز خاتمه تهاجم سعودی‌ها به واسطه وساطت جمهوری اسلامی ایران است. سعودی‌ها در صورتی که مطالبات مردمی یمن را برآورده کنند، بنا بر ادعای خود حوثی‌ها هرگونه درگیری و رویارویی بین طرفین فیصله پیدا می‌کند. تحقق این امر مستلزم آن است که نوع نگاه به حوثی‌ها به‌عنوان مؤثرترین گروه درگیر در بحران تغییر کند و مشارکت آنها در روندهای سیاسی پذیرفته شود. رئیس‌جمهور مستعفی یمن در برهه‌ای با برکناری دولت، اولین اقدام را در این راستا انجام داد، اما حوثی‌ها این اقدام را تلاش برای دور زدن مطالبات مردمی تفسیر کردند.

از سوی دیگر نیز بایستی تأکید نمود که عربستان سعودی همواره تلاش کرده بانفوذ بر قبایل یمنی حضور خود در یمن را حفظ کند و سیاست‌های این کشور در قبال همسایه جنوبی خود همواره رنگی از سلطه داشته است. طرح‌های دستیابی به اقیانوس هند از راه تجزیه بخشی از مناطق جنوبی یمن از جمله «حضر موت» و افزودن آن به خاک عربستان نیز نشان‌دهنده نوع نگاه آل سعود به تمامیت سرزمینی کشور یمن است (پایگاه تحلیلی - خبری فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳: ۱). از این رو، می‌توان چنین استنباط نمود که پایان دادن به تخصم سعودی‌ها درگرو اهتمام و فشار قدرت‌های منطقه نظیر ایران و مجموعه کشورهای عضو تشکیل‌دهنده محور مقاومت در مقابل ائتلاف سعودی می‌باشد.

بدین‌سان، تثبیت قدرت دولت یمن به تحدید جایگاه و نقش عربستان سعودی در ابعاد منطقه‌ای و تغییر نگرش کلی مردم یمن در قبال سیاست‌های محافظه‌کارانه و جانب‌دارانه آل سعود و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن منجر می‌شود که این امر به‌ویژه با ورود گروه‌های خارج از هرم پیشین قدرت از جمله انصارالله، تقویت خواهد شد. در حقیقت تحقق

این سناریو یعنی تثبیت قدرت و تحکیم دولت یمن در جهت منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌شود و با بهره‌برداری صحیح از این شرایط می‌توان به تقویت فزاینده جایگاه تهران در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا امید داشت (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۱). با توجه به شرایط موجود منطقه می‌توان تحقق این سناریو را در بلندمدت متصور بود.

۳. عدم تخاصم در پی میانجیگری بازیگران ثالث مانند عمان یا سازمان ملل

سیاست‌های میانجیگرانه عمان طی دهه‌های اخیر در مسائل مختلف منطقه در کنار راهبرد بی‌طرفی از سوی پادشاه این کشور زمینه مساعدی برای میانجیگری در بحران یمن را فراهم می‌آورد. از طرفی با بی‌نتیجه بودن مذاکرات کویت، نماینده سازمان ملل در امور یمن عمان را بهترین گزینه برای حل و فصل درگیری‌های این کشور معرفی کرده است. (prensalatina, ۲۰۱۶) عمان به‌عنوان عضوی از شورای همکاری خلیج فارس در کنار پذیرش نقش میانجی از سوی کشورهای ائتلاف حمله، مورد تأیید نماینده سازمان ملل متحد و نمایندگان کشور یمن است. طرح میانجیگری عمان در پرونده یمن گام بزرگی در امنیت‌زدایی بحران یمن و آماده‌سازی بستر آتش‌بس به شمار می‌رود.

سازمان ملل متحد نیز یکی از بازیگران بحران یمن است. این بازیگری بیش از همه در قالب تعیین نماینده دبیر کل در امور یمن ایفا می‌شود. مارتین گریفیتس، نماینده جدید این سازمان نیز سعی دارد از خود وجهه بی‌طرفی نشان دهد و علی‌رغم اینکه یمنی‌ها نوعی بی‌اعتمادی به این سازمان دارند، اما با شرایط جدید به نوعی زمینه برای میانجیگری این نهاد فراهم است. پیشنهاد نگارندگان این است که با استفاده از تجربه بحران سوریه، ورود دولت روسیه به بحران یمن، اما در اینجا در سطح سیاسی، با توجه به عضویت دائم این کشور در شورای امنیت و نقشی که در سازمان ملل و عرصه بین‌المللی ایفا می‌نماید، ضمن تقویت موضع جمهوری اسلامی فشارهای بین‌المللی بر

عربستان سعودی را نیز افزایش خواهد داد.

تحولاتی مانند ماجرای خاشقچی و افزایش فشارها به عربستان سعودی و هم‌پیمانان آن از یک‌سو و از سوی دیگر نزدیکی عمان و رژیم صهیونیستی و بازدید نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از عمان و همچنین این واقعیت که عربستانی که مدعی بود طی نهایتاً سه هفته به پیروزی کامل در یمن خواهد رسید، اکنون امنیت زمینی آن به‌ویژه سه استان جنوبی آن به‌شدت تحت تهدید می‌باشد، این سناریو را قوت بخشیده است. تحقق این سناریو، در واقع اعتراف عربستان به دست برتر انصارالله در عرصه میدانی و ارتقای قدرت چانه‌زنی جمهوری اسلامی خواهد بود.

۴. تداوم توازن نوسانی قوا

سناریوی دیگر این است که روند ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌ها و نیز تخصم نظامی ائتلاف سعودی‌ها همچنان ادامه پیدا کند، دولت کنونی در یمن دچار فروپاشی شود، از ورود گروه شیعی انصارالله جهت حضور در قدرت اجزایی ممانعت به عمل آید و به‌عنوان یک قوه مستشاری در روندهای قدرت حضور داشته باشد. این اقدام قبلاً از سوی انصارالله در جریان تحولات یمن از طریق تعیین دو مشاور برای رئیس‌جمهور مستعفی به نام‌های صالح و السماط انجام شده بود. پیگیری این سناریو، جایگاه انصارالله را تا حد مشورت‌دهی تنزل می‌دهد و تأثیرگذاری در فرایندهای تصمیم‌سازی یمن را نیز کاهش می‌دهد. با توجه به نقشی که انصارالله در سال‌های اخیر در یمن داشته، به نظر نمی‌رسد این سناریو در بلندمدت و میان‌مدت چندان کارایی داشته باشد (مددی، ۱۳۹۵: ۱).

مهم‌تر اینکه، تحقق این سناریو باعث خلأ امنیتی در محیط پیرامون ایران می‌شود، چراکه خیزش‌های جهان عرب با فروپاشی نظام‌های سیاسی اقتدارگرا در برخی کشورهای منطقه باعث ایجاد سطحی از بی‌ثباتی و خلأ قدرت در منطقه می‌شود و رهبران جدید نیز برای تثبیت و تحکیم نظام سیاسی نو نیازمند دوره‌گذار هستند. بنابراین، هرگونه تداوم بی‌ثباتی ناشی

از تشدید تنش‌های فرقه‌ای و قبیله‌ای، احتمال بروز جنگ داخلی در کشورهای بحران‌زده و بهره‌گیری گروه‌های افراط‌گرای تکفیری - سلفی به‌ویژه داعش از خلأ قدرت موجود در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند امنیت ملی بازیگران منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهند (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۱).

۵. تفوق بازدارندگی شبکه‌ای جمهوری اسلامی ایران در پی دولت‌سازی انصارالله (سناریوی مرجح)

سناریوی دیگر نیز برنامه‌ریزی برای ایجاد دولت است. یکی از نمودهایی که در راستای تحقق این سناریو توسط جنبش انصارالله به آن استناد می‌شود، اعلامیه دستور یا قانون اساسی است که در فوریه ۲۰۱۳ صادر شد. طبق این اعلامیه، کمیته شورای عالی انقلاب یمن تشکیل، ریاست آن مشخص و قوه مقننه منحل اعلام شد. بر اساس این سناریو، انصارالله می‌بایست دولت تشکیل دهد، رئیس کشور را تعیین و انتخابات را برگزار کند. اما در مسیر محقق شدن این سناریو موانع زیادی در سطوح داخلی و فراملی وجود دارد (مددی، ۱۳۹۵: ۱). تحقق این سناریو باعث می‌گردد تا مشارکت و حضور زیدی‌ها در ساختار سیاسی یمن بیشتر شود و دیدگاه پیشین سیاست خارجی یمن را نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییر و درنهایت، تعدیل کند. علاوه بر این، غالب شهروندان یمنی به جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند بوده و حمایت عمومی از جنبش انصارالله و شیعیان الحوثی نیز حکایت از صدور انقلاب اسلامی به این حوزه ژئوپلیتیک دارد، هرچند حمایت تهران همواره جنبه معنوی داشته است (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۱).

ریاض همواره انصارالله را به‌عنوان نیروی نیابتی ایران مطرح می‌کند که با الگوگیری از حزب‌الله لبنان درصدد تثبیت جایگاه خود به‌صورت مرحله‌به‌مرحله در یمن است. در صورتی که چنین برنامه‌ای در یمن و قدرت‌یابی نیروهای نیابتی ایران در عراق صورت پذیرد، عربستان سعودی در تنگنای دو نیروی نیابتی شمالی و جنوبی قرار می‌گیرد. (Salisbury, ۲۰۱۵: ۱۰) در این صورت و با قدرت‌یابی انصارالله در مرزهای جنوبی عربستان سعودی، اهرم

فشار قدرتمندی برای جمهوری اسلامی در بازدارندگی به حساب می‌آید. به‌خصوص اینکه سه استان جیزان، نجران و عسیر استان‌هایی هستند که از یمن جدا شده و از دید عربستان هم‌جواری این استان‌ها با مناطق مورد تسلط انصار الله، بزرگ‌ترین اهرم فشار علیه عربستان را در اختیار ایران قرار داده است.

نتیجه‌گیری

بحران یمن پیامدهای قابل توجهی بر نظم و امنیت منطقه غرب آسیا داشته است. هر تغییر حتی نسبتاً کوچک در تحولات میدانی این کشور می‌تواند تأثیرات معنادار زیادی بر امنیت و راهبرد منطقه‌ای هر یک از کشورهای منطقه داشته باشد. از آنجاکه هویت اسلام‌گرایانه و انقلابی ایران و جنبش انصارالله یمن سبب شده تا امنیت آنان تحت تأثیر مؤلفه‌های هویتی قرار گیرد و همین امر سبب در هم تنیدگی امنیتشان شده است. جمهوری اسلامی ایران به سبب برخورداری از مؤلفه‌های هویتی مشترک با جنبش انصارالله و با توجه به اصول مبنایی سیاست خارجی، راهبرد منطقه‌ای خود را بر پایه حمایت سیاسی و معنوی از این جنبش و دیگر جنبش‌های مردمی ظلم ستیز قرار داده و با تشکیل شبکه‌ای از بازیگران همسود در منطقه غرب آسیا نقش آفرینی می‌نماید. با عنایت به قدرت‌یابی انصارالله در عرصه میدانی بحران یمن و با توجه به افزایش محبوبیت مردمی این جنبش و همچنین به سبب فرسایشی و طولانی شدن بحران یمن و تحت فشار قرار گرفتن عربستان سعودی به لحاظ جنایات ضد بشری سناریوهای مختلف در مورد آینده بحران یمن اعم از تقابل عربستان و ایران، همکاری نسبی، ورود بازیگر ثالث میانجی، تداوم توازن نوسانی قوا و دولت‌سازی انصارالله یمن بررسی شده است. سناریوی مرجح حاکی از پیروزی نسبی جنبش انصارالله و به تبع آن، موفقیت راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی است.

منابع الف) فارسی

- احمدی، نادر، (۱۳۸۷)، *آینده‌پژوهی و ایران، فصلنامه مدیریت نظامی*، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۳۲، صص ۴۱ - ۵۸.
- ازغندی، علیرضا و کافی، مجید (۱۳۹۱)، *بررسی امنیت ملی جمهوری اسلامی از دیدگاه سازه‌نگاری، فصلنامه علوم سیاسی*، زمستان ۱۳۹۱، سال هشتم، شماره ۲۱، از ۲۰۵ تا ۲۳۲.
- حاجیان، ابراهیم، (۱۳۹۰)، *مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی*، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- حاجی ناصری، سعید و شیخ‌سرای، نجف، (۱۳۹۶)، *آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی ایران، پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۲۱، صص ۱۲۹ - ۱۵۲.
- حسینی مقدم، ناهید و یوسفی، بهرام؛ راهبرد عربستان سعودی در قبال بحران یمن (۲۰۱۵-۲۰۱۰)، *پژوهش ملل*، دوره سوم، شماره ۲۵، دی‌ماه ۱۳۹۶، صص ۱۰۳-۷۹.
- حیدری، امیرهوشنگ، (۱۳۹۳)، *آینده‌پژوهی، کتاب ماه، فروردین ۱۳۹۳*، شماره ۱۹۶، صص ۷۰ - ۷۸.
- صبوری، ضیاء‌الدین و صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۲)، *آزمون‌پذیری نظریه سازه‌نگاری در بررسی سیاست خارجی ایران در دولت‌های نهم و دهم، پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، شماره ۹.
- داوی، علی اصغر (۱۳۹۱)، *امنیت از نگاه مکتب سازه‌نگاری، فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال چهارم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۱، از ۲۹ تا ۵۰.
- دهشیری، محمدرضا و معبودی نژاد، فرشته (۱۳۹۶)، *ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، فصلنامه سیاست‌های راهبردی کلان*، سال پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱۴۹ - ۱۷۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، *امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، شماره اول.
- رستمی، فرزاد و لطفی، کامران و پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۷)، *جنگ قدرت‌ها در یمن و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۷، صص ۹ - ۳۵.
- شیرخانی، علی و ترکی، هادی (۱۳۹۶)، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حوثی‌های یمن، مطالعات انقلاب اسلامی*، سال چهاردهم، شماره ۵۰، پاییز ۱۳۹۶، صص ۷۹-۹۸.
- عباسی، علی‌اصغر و ساکن، حسام و بهرامی، محسن (۱۳۹۳)، *تحلیل تأثیر روند در*

آینده‌پژوهی، سومین همایش ملی آینده‌پژوهی، ۹ بهمن ۱۳۹۳، تهران.
عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۰)، فنون پیش‌بینی، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، چاپ نخست، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

علیپور، جواد؛ قیطاسی، سجاد و دارابی، مهدی (۱۳۹۷)، آینده‌پژوهی بحران یمن برپایه سناریونویسی، آینده‌پژوهی دفاعی، سال سوم، شماره هشتم، بهار ۱۳۹۷، صص ۵۱-۷۱.
عنایت‌الله، سهیل، (۱۳۹۳)، پرسش از آینده: روش‌ها و ابزارهای تحول‌سازمانی و اجتماعی، ترجمه مسعود منزوی، تهران، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.

صبوری، ضیاء‌الدین و صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۲)، آزمون‌پذیری نظریه‌سازانگاری در بررسی سیاست خارجی ایران در دولت‌های نهم و دهم، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۹.

صفا تاج، مجید (۱۳۸۰)، ماجرای فلسطین و اسرائیل، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۴)، دینامیک قدرت، بن‌بست راهبردی و الگوهای جنگ در سیاست بین‌الملل نوین، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۴، شماره ۹۳.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۴)، سیستم‌های پیچیده و آشوبی: الگوی وابستگی حساس، بازدارندگی و جنگ، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۴، شماره ۹۳.

قربانی، مژگان و سوری، سرور، (۱۳۹۵)، تأثیر داعش بر هویت و امنیت ایران در چارچوب نظریه‌سازانگاری، مطالعات خاورمیانه، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۸۴، صص ۹۹ - ۱۲۶.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲)، نقش ارزش‌ها و هنجارها در شکل‌دادن به سیاست خارجی: رهیافت‌سازانگازانه، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، سال سوم، شماره ۳.

مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴)، سیاست‌گذاری راهبردی در مدیریت بحران امنیتی یمن، سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۰۹-۱۴۰.

مددی، جواد (۱۳۹۵)، چهارسناریوی پیش‌روی انصارالله در آینده تحولات سیاسی یمن، دسترسی در سایت الوقت، کد: ۵۹۶۲۱۴.

نجات، سیدعلی و موسوی، سیده‌راضیه و صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵)، راهبرد عربستان

سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۳۷ - ۱۷۹.

هوشی سادات، سیدمحمد، (۱۳۹۳)، «روابط ایران و یمن؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»؛ سایت دیپلماسی ایرانی؛ کد: ۱۹۴۵۲۵۷

«سناریوهای پیش روی بحران یمن» (۱۳۹۳)؛ کد خیر: ۳۳۳۱۳. قابل دسترس در سایت فرهنگ

نیوز

ب) عربی

بدرالدین الحوثی، حسین (۲۰۱۶/۵/۲)، موقف واحد: لماذا دخل الأمريکيون الیمن؟، موقع انصارالله، زمن المشاهده (۲۰۱۸/۸/۱۱)، للرجوع الی المصدر اضغط علی الریطة التالیة:

۳۱۵۹۹/http://www.ansarollah.com/archives

ج) انگلیسی

Amin, Abu (2015), Crisis in Yemen and Countering Violence, **Counter Terror-ist Trends and Analysis**, Vol. 7, No.7.

Barnett, M. (1999). "Culture, Strategy and Foreign Policy Change", **European Journal of International Relations**, Vol. 5 (1), pp. 5-39.

Checked, Jeffrey, (1997), "Norms and Domestic Politics: Birding the Rationalist -Constructivist", **European Journal of International Relations**, No. 3.

Crescenzi, MJC, Kathman, JD, Kleinberg, KB & Wood, RM (2012), Reliability, Reputation, and Alliance Formation, **International Studies Quarterly**, Vol. 56, No.2, pp.259-274.

Hopf, ted (1998), "The Promise of Constructivism in International Relations Theory", **International Security**, No.23.

Salisbury, peter (2015), Yemen and the Saudi-Iranian Cold War, Middle East and North Africa program, **Chatham house**: https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/field/field_document/20150218YemenIranSaudi.pdf

Schwartz, Felicia (March, 2015), Saudi Arabia launches military operations in Yemen, **Wall Street Journal**: <https://www.wsj.com/articles/saudi-arabia-launches-military-operations-in-yemen-1427275251>

Prensalatina, (2016), "UN RECOGNIZES KEY ROLE by OMAN in SOLUTION to CRISIS in YEMEN" <http://www.plenglish.com/index.php?o=rn&id=2917&SEO=un-recognizes-key-role-by-oman-in-solution-to-crisis-in-yemen>, September, 14, 2016.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی